



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

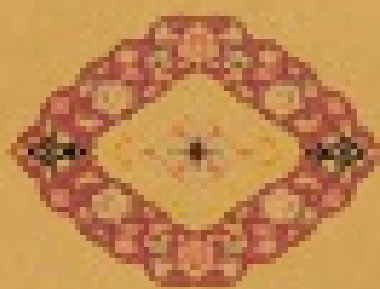


عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# امام صادق علیه السلام

## و قیام های زمان



عباس کوثری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام صادق (ع) و قیام های زمان

نویسنده:

عباس کوثری

ناشر چاپی:

ماهنامه کوثر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... امام صادق (ع) و قیام های زمان
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... قیام زید بن علی
۷	..... پاورقی
۷	..... قیام محمد نفس زکیه
۸	..... اشاره
۸	..... عدم صداقت و خلوص پیشنهاد دهندگان
۹	..... نداشتن یاران مخلص
۹	..... ثمربخش نبودن پیشنهاد
۱۰	..... پیشنهاد ابومسلم و ابوسلمه
۱۰	..... اشاره
۱۰	..... سفاک بودن ابومسلم و ابوسلمه
۱۱	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## امام صادق (ع) و قیام های زمان

### مشخصات کتاب

مؤلف: عباس کوثری

ناشر: ماهنامه کوثر، شماره ۴۰

### مقدمه

در راستای فلسفه وظیفه الهی، ائمه علیهم السلام برای تحقق حکومت اسلامی جدیت و تلاش فراوانی داشتند. امام صادق (ع) علاوه بر نهضت علمی و فکری که در جامعه ایجاد نمود، اهتمام خاصی به نظام رهبری و امامت اصیل اسلامی داشت. حمایت‌های پیدا و پنهان امام صادق (ع) از نهضت‌های اصیل و عدم همکاری آن حضرت با قیام‌ها نشان دهنده مواضع دقیق و الهی امام در برابر حکومت‌های سیاسی زمان است.

### قیام زید بن علی

اینک به ارزیابی نقش امام صادق (ع) در برابر قیام‌های معاصر وی می‌پردازیم. زید، فرزند امام زین العابدین (ع) مردی عابد، انسانی پرهیزکار، فقیهی شجاع و سخاوتمند بود. [۱]. زید به قصد شکایت از فرماندار مدینه، خالد بن ولید بن عبدالملک بن حرث راهی شام شد. هشام نه تنها به شکایت او توجهی نکرد، بلکه به او اهانت نمود و دستور داد او را به مدینه بازگردانند. زید می‌گوید: من در مجلس هشام بودم که به رسول گرامی اسلام اهانت شد. اما هشام هیچ گونه عکس العملی از خود نشان نداد. بدین خاطر اگر جز یک نفر همراه نداشته باشم قیام خواهم کرد. [۲]. زید به کوفه برگشت و سپاهی تشکیل داد و با استاندار عراق، یوسف بن عمر ثقفی درگیر شد و سرانجام به شهادت رسید. درباره قیام زید روایاتی از امام صادق (ع) رسیده است که بیانگر حمایت آن حضرت از قیام اوست. اینک بخشی از این روایت‌ها را نقل می‌کنیم: ۱- امام صادق (ع) فرمود: «فانظروا علی ای شی تخرجون لا تقولوا خرج زید فان زیداً کان عالماً و کان صدوقاً و لم یدعکم الی نفسه وانما دعاکم الی الرضا من آل محمد (ص) و لو ظفر لوفی بما دعاکم الیه». نگاه کنید که با چه هدفی قیام می‌کنید. نگوئید زید خروج کرد. زید دانشمند و بسیار راستگو بود و مردم را به سوی خویش نمی‌خواند، بلکه به برگزیده آل محمد (ص) دعوت می‌کرد و اگر پیروز می‌شد به آنچه مردم را بدان دعوت می‌نمود، وفا می‌کرد. [۳]. زید بن علی فرمود: در هر زمان مردی از ما، اهل بیت علیهم السلام وجود دارد که خدا به وسیله او بر مردم احتجاج می‌کند. حجت این زمان فرزند برادر من، جعفر بن محمد (ع) است. هر کس او را پیروی کند گمراه نمی‌شود و مخالف او هدایت نمی‌یابد. [۴]. ۲- امام رضا (ع) می‌گوید: پدرم فرمود: امام صادق (ع) فرمود: خدا رحمت کند عموم زید را! او به برگزیده آل محمد دعوت می‌نمود و اگر پیروز می‌شد به آن وفا می‌کرد. او در رابطه با نهضت خویش با من مشورت نمود. به او گفتم: اگر می‌خواهی به دار آویخته شوی قیام کن. امام رضا (ع) می‌گوید: پدرم فرمود: هنگامی که زید از محضر امام صادق (ع) خارج شد، امام فرمود: «ویل لمن سمع واعیثه فلم یجبه» وای بر کسی که ندایش را بشنود و او را همراهی و اجابت نکند. [۵]. ۳- ابن سیابه می‌گوید: امام صادق (ع) به من هزار دینار داد و فرمود: این‌ها را در میان فرزندان کسانی که همراه زید به شهادت رسیده‌اند، تقسیم کن. [۶]. ۴- فضیل، یکی از سپاهیان زید می‌گوید: خدمت امام صادق (ع) رسیدم. حضرت فرمود: آیا تو در جنگ با شامیان همراه عموم بودی؟ گفتم: بله، حضرت فرمود: چه قدر از آنان را کشتی؟ گفتم: شش نفر. حضرت فرمود: شاید دچار شک گشته‌ای؟ پاسخ دادم: اگر

شک داشتم که آنان را نمی‌کشتم. حضرت فرمود: خدا مرا در ثواب خون‌های آنان شریک سازد. به خدا قسم! عمویم زید و اصحابش جزء شهدا هستند. مانند علی بن ابی طالب (ع) و اصحاب او. [۷]. مرحوم مجلسی می‌نویسد: اگرچه اخبار درباره زید مختلف است اما بیش‌ترین اخبار بیانگر این است که او به خاطر انتقام جویی از قاتلان امام حسین (ع) و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمود و به برگزیده آل محمد (ص) دعوت می‌نمود. من در کلام دانشمندان شیعه نظری در مخالفت آن چه گفته شد، ندیدم. [۸].

## پاورقی

- [۱] ارشاد، مفید، ص ۲۵۱.
- [۲] بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۹۲.
- [۳] وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵، باب ۱۳، ابواب جهاد العدو.
- [۴] بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۳، باب احوال اولاد علی بن الحسین (ع).
- [۵] وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸، باب ۱۳، ابواب جهاد العدو.
- [۶] بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۰.
- [۷] همان، ص ۱۷۱.
- [۸] مرآة العقول، ج ۴، ص ۱۱۸.
- [۹] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۷۸.
- [۱۰] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۱۹.
- [۱۱] مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۶۸.
- [۱۲] همان.
- [۱۳] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۲۷.
- [۱۴] الامام الصادق (ع)، اسد حیدر، ج ۱، ص ۴۳.
- [۱۵] وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷، باب ۱۳، جهاد العدو.
- [۱۶] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.
- [۱۷] الکافی، ج ۲، ص ۲۴۲، کتاب الایمان و الکفر، فی قله عدد المؤمنین.
- [۱۸] مروج الذهب، ج ۳، ص ۲۶۹.
- [۱۹] همان، ص ۲۸۵.
- [۲۰] سیره پیشوایان، ص ۳۸۸.
- [۲۱] همان.
- [۲۲] سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۲۲.
- [۲۳] بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۷۸.
- [۲۴] همان، ص ۱۲۰.

## اشاره

سلطنت بنی امیه پس از هلاکت ولید بن یزید بن عبدالملک رو به ضعف گذاشت. عده‌ای از بنی هاشم و عباسیان مثل منصور دوانیقی و برادرانش، سفاح و ابراهیم، و عبدالله محض و پسرانش، محمد و ابراهیم در «ابواء» جمع شدند و توافق کردند که فردی را به‌عنوان کاندیدای خلافت برگزینند. عبدالله محض از میان جمع برخاست و از آن‌ها خواست که با فرزندش، محمد، معروف به «نفس زکیه بیعت نمایند. عبدالله محض فرزند حسن مثنی نوه امام مجتبی (ع) است و مادرش فاطمه، دختر امام حسین (ع) است. به همین جهت به محض لقب یافته است. فرزندش، محمد به خاطر زهد و عبادت فراوان به «نفس زکیه شهرت یافته است. چون در میان شانه‌های او خالی سیاه بود، برای عده‌ای از جمله پدرش این گمان پیدا شده بود که او همان مهدی امت است که در روایات بدان خبر داده شده است. بدین سبب مردم با او بیعت کردند و سپس فردی را راهی خانه امام صادق (ع) نمودند تا آن حضرت در جلسه حضور یابد و با محمد نفس زکیه بیعت کند. امام صادق (ع) در جمع آنان حضور یافت و پس از شنیدن سخنان عبدالله محض، فرمود: اگر فکر می‌کنی فرزندت مهدی است این طور نیست. «و ان کنت انما ترید ان تخرجه غضبا لله ولیامر بالمعروف و ینه عن المنکر فانا والله لا تدعک فانت شیخنا و نبایع ابنک فی هذا الامر» و اگر تصمیم داری که به خاطر خدا و امر به معروف و نهی از منکر از او بخواهی قیام کند، به خدا سوگند! تو را تنها نخواهیم گذاشت. تو بزرگ خاندان ما هستی و با فرزندت بیعت می‌کنیم. [۹]. در این روایت، حضرت از همان آغاز بر اصالت هدف و الهی بودن نهضت نفس زکیه تاکید می‌ورزید و حمایت از آن را به عنوان یکی از اصول سیاسی حرکت خویش اعلام می‌دارد.

## عدم صداقت و خلوص پیشنهاد دهندگان

ابوسلمه علاوه بر امام صادق (ع)، برای عبدالله محض هم نامه نوشت. این کار او دلیل این است که وی در دعوت خود صداقت نداشت. زیرا اگر نامه او به امام صادق (ع) براساس ایمان و اعتقاد به آن حضرت بود، چگونه از فرد دیگری نیز دعوت کرد؟ جواب امام صادق (ع) روشن‌گر همین جهت است. وقتی حامل نامه، محمد بن عبدالرحمن بن اسلم به امام صادق (ع) نامه‌ای از طرف شیعه شما، ابوسلمه آورده‌ام. آن حضرت فرمود: «و ما انا و ابوسلمه و ابوسلمه شیعه لغیری» مرا با ابوسلمه چه کار؟ او از شیعیان من نیست. نامه رسان تقاضای جواب می‌کند. امام صادق (ع) نامه را آتش می‌زند و می‌فرماید: جواب نامه همین است. سپس آن حضرت شعری از کمیت بن زید خواند: ایا موقدا نارا لغرک ضوءها و یا حاطبا فی غیر حبلک تحطب ای روشن کننده آتشی که دیگری از نورش استفاده می‌برد! هیزم جمع کرده‌ای اما روی ریسمان دیگری ریخته‌ای و دیگری جمع می‌کند و می‌برد. [۱۲]. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «قدر مسلم این است که این شعر می‌خواهد منظره‌ای را نشان دهد که یک نفر زحمت می‌کشد و استفاده‌اش را دیگری می‌خواهد ببرد. حال یا منظور این بود که ای بدبخت ابوسلمه! این همه زحمت می‌کشی استفاده‌اش را دیگری می‌برد و تو هیچ استفاده‌ای نخواهی برد و یا خطاب به مثل خودش بود اگر درخواست ابوسلمه را قبول کند یعنی این دارد ما را به کاری دعوت می‌کند که زحمتش را ما بکشیم و استفاده‌اش را دیگری ببرد.» [۱۳]. ابومسلم در نامه‌ای به امام صادق (ع) نوشت: من مردم را به دوستی اهل بیت پیامبر (ص) دعوت می‌کنم. کسی برای خلافت بهتر از شما نیست. امام صادق (ع) در پاسخ نوشت: «ما انت من رجالی و لا الزمان زمانی» نه تو از یاران من هستی و نه این زمان، زمان من است. [۱۴]. امام صادق (ع) بدین وسیله عدم صداقت آنان را گوشزد نمود و بی‌اعتمادی خود را نسبت به آنان اعلام داشت. در سخن دیگری از آن حضرت نیز همین مطلب آمده است. معلی ابن خنیس می‌گوید: در زمانی که پرچم‌های سیاه بر افراشته شده بود و هنوز بنی عباس به خلافت نرسیده بود، نامه‌هایی از عبدالسلام ابن نعیم، سریر و تعداد دیگری خدمت امام صادق (ع) بردم. آن‌ها نوشته بودند: «قد قدرنا ان یول هذا الامر الیک فما تری



قال ف ضرب بالکتب الی الارض ثم قال اف اف ما انا لهولاء بامام؛ ما موقعیت را برای خلافت شما مساعد می بینیم. نظر شما چیست؟ امام صادق (ع) نامه‌ها را به زمین کوبید و فرمود: زهی تاسف و افسوس! من امام و پیشوای آن‌ها نیستم. [۱۵].

### نداشتن یاران مخلص

وجود یاران وفادار و همراه یکی از شرایط موفقیت رهبران در اجرای برنامه‌های خویش است. امام صادق (ع) شیعیان خود را خوب می شناخت و می دانست که بیشتر آن‌ها مرد میدان خطر نیستند. مامون رقی می گوید: خدمت آقا، امام صادق (ع) بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شد و به آن حضرت گفت: شما مهر و رحمت دارید. شما اهل بیت (ع) امامت هستید. چگونه از حق خویش باز ایستاده‌اید، با این که صد هزار شمشیر زن آماده به رکاب در خدمت شما هستند. آن حضرت فرمود: خراسانی! بنشین! سپس به کنیز خود فرمود: «حنیفه!» تنور را آتش کن. کنیز تنور را گرم کرد. آن گاه امام فرمود: خراسانی! برخیز و در تنور بنشین! خراسانی گفت: آقای من! مرا با آتش مسوزان و از من بگذر! آن حضرت فرمود: گذشتم. در این حال «هارون مکی که کفش‌های خویش را به دست گرفته بود، وارد شد و سلام کرد. امام فرمود: کفش‌های خود را زمین بگذار و داخل تنور بنشین! هارون بدون معطلی وارد تنور شد. امام صادق (ع) با سهل بن حسن خراسانی مشغول صحبت شد. مدتی بعد، امام به او فرمود: برخیز و به داخل تنور نگاه کن! خراسانی می گوید: برخاستم و به داخل تنور نظر افکندم. هارون در داخل تنور چهار زانو نشسته بود. مدتی بعد او از تنور بیرون آمد و به ما سلام کرد. امام فرمود: در خراسان چند نفر مثل این مرد دارید؟ خراسانی گفت: به خدا قسم! یک نفر هم نیست. امام فرمود: «اما انا لا نخرج فی زمان لا نجد فیه خمسه معاضدین لنا نحن اعلم بالوقت؛ بدان! ما هنگامی که پنج نفر یاور و پشتیبان نداشته باشیم قیام نمی کنیم. ما نسبت به زمان قیام داناتریم. [۱۶]. سدیر می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: چه چیز شما را از قیام بازداشته است؟ امام فرمود: مگر چه شده است؟ سدیر گفت: دوستان، شیعیان و یاوران شما زیاد است. به خدا سوگند! اگر امیرالمؤمنین این مقدار یاور داشت کسی طمع در خلافت نمی کرد. امام فرمود: یاوران من چند نفرند؟ سدیر گفت: صد هزار نفر. امام فرمود: صد هزار! او گفت: بله. بلکه دویست هزار. امام فرمود: دویست هزار! سدیر گفت: آری. بلکه نصف دنیا، امام سکوت کرد. سدیر گوید: راهی سرزمین «ینیع شدیم. امام در میان راه چشمش به جوانی افتاد که چند راس بزغاله را می چرانند. فرمود: اگر تعداد شیعیان من به عدد این بزغاله‌ها بود از قیام و نهضت باز نمی ایستادم. سدیر می گوید: بزغاله‌ها را شمارش کردم. بزغاله‌ها هفده راس بودند. [۱۷]. ابوسلمه از امام صادق (ع) نا امید می گردد و طبق دستور به خانه عبدالله محض می رود و نامه دوم را به او می رساند. عبدالله خوشحال می شود و صبحگاهان به خانه امام صادق (ع) می رود. عبدالله به امام صادق (ع) می گوید: ابوسلمه نوشته است که همه شیعیان ما در خراسان آماده قیام هستند و از من خواسته است که خلافت را بپذیرم. امام به عبدالله فرمود: «متی کان اهل خراسان شیعه لک انت بعثت ابامسلم الی خراسان و انت امرته بلبس السواد و هولاء الذین قدموا العراق انت کنت سبب قدمومهم... و هل تعرف منهم احدا؟» چه زمانی اهل خراسان شیعه تو بودند؟! آیا تو ابومسلم را به آن جا فرستادی؟! آیا تو به آن‌ها دستور دادی لباس سیاه بپوشند؟! آیا این‌ها که برای حمایت از بنی العباس از خراسان آمده‌اند تو آن‌ها را به این جا آورده‌ای؟! آیا کسی از آنان رامی شناسی؟! [۱۸].

### نمر بخش نبودن پیشنهاد

انسان‌های دنیا طلب زمانی از رهبران و همکاران خویش روی برمی گردانند که احساس کنند دنیایشان در خطر است. دوستان، بنی عباس و فرماندهان آن‌ها مانند ابومسلم به ابوسلمه بدگمان شده بودند و دیگر نمی خواستند او را در جمع خویش ببینند. ابومسلم چند بار به سفاح سفارش می کند که ابوسلمه را از بین ببرد. ابوسلمه که بی مهری‌ها را احساس کرده بود، فکر می کند که با

گرایش به امام صادق(ع) و یا عبدالله محض، و تغییر خلافت بهتر می‌تواند به اهداف دنیایی خویش دست یابد. او غافل بود از این که کاملاً تحت نظر و نقشه قتل او آماده شده بود. قبل از آن که نامه عبدالله محض به ابوسلمه برسد، یاران سفاح با طرحی که آماده کرده بود، ابومسلم در بین راه به او شیبخون می‌زنند و او رامی‌کشند. [۱۹]. ابومسلم نیز به سرنوشت ابوسلمه گرفتار می‌شود و به دست سفاح، خلیفه عباسی کشته می‌شود. تمام فعالیت‌های ابومسلم را ابوسلمه به وسیله جاسوسان کنترل می‌کرد. به همین جهت پیشنهاد و همراهی با آنان نمی‌توانست تضمین کننده پیروزی بوده باشد. بدین خاطر بود که امام صادق(ع) حتی از پاسخ کتبی به ابوسلمه خود داری کرد و نامه او را سوزانید.

## پیشنهاد ابومسلم و ابوسلمه

### اشاره

«ابراهیم امام و منصور دوانیقی ابوالعباس سفاح از نوادگان عباس، عموی پیامبر(ص) است. آنان حرکتی سری را بر ضد بنی‌امیه سامان دادند. ابراهیم امام، رهبر قیام ابومسلم را انسانی شجاع و کارآمد و با استعداد می‌یابد و او را به خراسان اعزام می‌کند و به او توصیه می‌کند که بدون نام بردن از فردی، مردم را به الرضا لال محمد<sup>۱</sup> برگزیده آل محمد(ص) دعوت کند. امام صادق(ع) ابوسلمه که بعد به وزیر آل محمد شهرت یافت. را به کوفه فرستاد و خود در ناحیه شامات فعالیت می‌کرد. بدین ترتیب آن حضرت نبض حرکت‌های ضد اموی را به وسیله کارگزاران خویش در دست گرفته بود. مدتی بعد، ابراهیم امام توسط مروان زندانی و کشته می‌شود و رهبری نهضت طبق وصیت ابراهیم امام، در اختیار سفاح و دیگر برادرانش قرار می‌گیرد. [۱۰]. ابوسلمه توسط محمد بن عبدالرحمن، نامه‌هایی برای امام صادق(ع) و عبدالله محض می‌فرستد و به پیک‌های خود دستور می‌دهد که هیچ کدام از آن‌ها از نامه‌ای که برای دیگری فرستاده شده است، اطلاع پیدا نکنند. آن حضرت در آن نامه‌ها حمایت خود را از خلافت آنان اعلام می‌دارد. ابومسلم دو نامه به حضور آن حضرت می‌فرستد و در نامه دوم می‌نویسد: هزار جنگجو در اختیار من است. به انتظار فرمانت هستیم. [۱۱] امام صادق(ع) به او پاسخی نمی‌دهد. سؤال: چرا امام صادق(ع) به این پیشنهادها جواب مثبت نداد و از زمینه‌های خلافت و نیروها استفاده نکرد؟

## سفاک بودن ابومسلم و ابوسلمه

ابراهیم امام، رهبر نهضت عباسیان در وصایای خویش به ابومسلم می‌گوید: نسبت به هرکس که شک کردی و در کار هرکس که شبهه نمودی او را به قتل برسان. اگر توانستی در خراسان یک نفر عرب زبان هم باقی نگذاری، چنین کن. [۲۰]. «یافعی درباره ابومسلم می‌گوید: او حجاج زمان خود گردید و در راه استقرار حکومت عباسیان مردم بی‌شماری را کشت. [۲۱]. شهید مطهری نیز می‌نویسد: البته ابومسلم سردار خیلی لایقی است، به مفهوم سیاسی، ولی فوق العاده آدم بدی بوده یعنی یک آدمی بوده که اساساً بویی از انسانیت نبرده بوده است. ابومسلم نظیر حجاج بن یوسف است... ابومسلم را می‌گویند: ششصد هزار نفر آدم کشته. به اندک بهانه‌ای همان دوست بسیار صمیمی خودش را می‌کشت و هیچ این حرفها سرش نمی‌شد که این ایرانی است یا عرب که بگوییم تعصب ملی در او بوده است. [۲۲]. بنابراین امام صادق(ع) نمی‌توانست به ابومسلم جواب مثبت بدهد و او را یار و همراه خویش بداند. هدف امام صادق(ع) اجرای حق و عدالت و رعایت حقوق الهی و انسانی بود. آن حضرت خواستار حکومتی همچون جد بزرگوارش، امام علی(ع) بود که در آن، جایگاهی برای این گونه جنایتکاران نبود. آن چه در تحلیل و بررسی عدم پاسخ‌گویی امام صادق(ع) به پیشنهاد خلافت گفته شد، بر اساس شرایط و موقعیت‌های اجتماعی آن روز بود. اما افزون بر آن‌ها سخنان امام

صادق(ع) است که از راه علم امامت خویش، از وقوع این تحولات خبر داده بود. آن حضرت می‌دانسته که خلافت به «سفاح عباسی می‌رسد. در این زمینه روایات متعددی وجود دارد. در یکی از آن‌ها آمده است: عبدالله محض می‌گوید: پسر من همان مهدی است. او از مردم می‌خواهد که برای سقوط خلافت اموی با او بیعت کنند. امام صادق(ع) فرمود: فرزندت مهدی نیست. سپس امام با دست خود به پشت ابوالعباس سفاح زد و فرمود: این و برادرانش به خلافت خواهند رسید. [۲۳]. در روایت دیگری آمده است: ابوجعفر منصور از امام صادق(ع) سؤال کرد: آیا خلافت به من می‌رسد؟ حضرت فرمود: «نعم ا قوله حقا» بلی. آنچه می‌گویم به حقیقت خواهد پیوست. [۲۴].

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۳۱-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید.».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد.».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

